

یک کتاب در یک نگاه دفتر مطالعات مالی و حسابداری مدیریت (۱)

تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی (با تجدید نظر)

نشریه شماره ۱۲۹

تألیف:

دکتر فضل‌ا... اکبری

از انتشارات

مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی
سازمان حسابرسی

کلیات

۲- تجزیه و تحلیل سرمایه در گردش (۴): در این روش عوامل مؤثر در تغییرات وضعیت مالی شناخته می‌شود و موجبات افزایش یا کاهش پول مورد نیاز در فعالیت‌های جاری واحد تجاری تعیین می‌گردد.

۴- خطر سنجی (۵): در این روش مواضع ایجاد خطر تعیین می‌شود. اصولاً از نظر اقتصادی و مالی هر نوع سرمایه‌گذاری و فعالیت تجاری از دو جهت باید ارزیابی شود، از نظر سودآوری و از لحاظ خطر یا خطراتی که متوجه سرمایه‌گذاری می‌گردد.

تجزیه و تحلیل درونی

تجزیه و تحلیل درونی روشی است که در آن اقلام یک‌ترانامه و صورت سود و زیان یک دوره مالی و رابطه موجود بین آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد تا معیاری برای ارزیابی وضع مالی و اعتباری واحد تجاری که صورت‌های مالی به آن مربوط می‌شود به دست می‌آید. بنابراین در اینجا فقط صورت‌های مالی یک دوره مالی مورد تجزیه و تحلیل واقع می‌شود.

مراحل تجزیه و تحلیل درونی: قدم اول در تجزیه و تحلیل درونی اطمینان یافتن از صحت و کامل بودن اطلاعاتی است که در ترانامه مندرج می‌باشد. قدم بعدی بررسی سرفصل حساب‌های ترانامه است مانند مطالبات و موجودی جنسی که در این بررسی ارقام مذکور را با سایر ارقام ترانامه مقایسه می‌کنیم. در قدم نهایی نیز به بررسی نسبت‌ها و تفسیر و نتیجه‌گیری از آنها در تجزیه و تحلیل می‌پردازیم. ذکر این نکته ضروری است که با وجود اهمیت محاسبه و مطالعه نسبت‌ها، نباید هیچگاه بررسی‌ها را در اسارت آنها مقید کرد و نتیجه‌گیری از آنها را مطلق و تغییر ناپذیر دانست.

طبقه‌بندی نسبت‌ها: نسبت‌ها را به چهار گروه طبقه‌بندی می‌کنند که به شرح زیر می‌باشد:

۱- نسبت‌های نقدینگی (۶): نسبت‌های نقدینگی از مقایسه دارایی جاری یا اقلام تشکیل دهنده آن با بدهی جاری به دست می‌آید. اهم نسبت‌های نقدینگی نسبت جاری و نسبت آنی است.

یکی از هدف‌های حسابداری تفسیر اطلاعات مالی و یا در واقع تسهیل استفاده از صورت‌های مالی به منظور تصمیم‌گیری اشخاص و مراجع مختلف است. ضرورت تفسیر صورت‌های مالی به نحوی که نیاز استفاده‌کنندگان مختلف از صورت‌های مالی را برآورد به پیدایش و توسعه روش‌ها و فنونی انجامیده که روابط بین ارقام مندرج در صورت‌های مالی را تعیین و امکان مقایسه، تعبیر و توجیه آنها را فراهم کرده است.

انتخاب ارقام و اطلاعات، مقایسه و تعیین رابطه بین آنها و ارزیابی حاصل از آن را تجزیه و تحلیل مالی می‌نامند. بنابراین، مرحله اول انتخاب ارقام و اطلاعاتی است که از بررسی و تفسیر آنها اخذ تصمیم امکان‌پذیر شود. مرحله دوم مقایسه و تنظیم و مشخص کردن روابط بین ارقام و بالآخره مرحله سوم تفسیر و ارزیابی نتایج حاصل از مرحله دوم است. در تجزیه و تحلیل مالی فرض بر این است که گذشته زمینه‌ساز آینده می‌شود و به این ترتیب نتیجه کوشش‌ها و تجارب گذشته که در صورت‌های مالی منعکس است مبنای بررسی واقع و نتایج به دست آمده راهنمای اخذ تصمیم نسبت به آینده قرار می‌گیرد.

روش‌های تجزیه و تحلیل مالی

در تجزیه و تحلیل مالی از چهار روش استفاده می‌شود:

۱- تجزیه و تحلیل درونی (۲): در این روش مقدار و اهمیت نسبی هر یک از اقلام یک صورت مالی در مقام مقایسه با سایر اقلام همان صورت تعیین می‌گردد.

۲- تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای (۳): در این روش صورت‌های مالی دو یا چند دوره متوالی با یکدیگر سنجیده می‌شود. به عبارت دیگر، رقم مربوط به یک سال را با رقم مشابه در سال دیگر مقایسه و ضمن تعیین افزایش و کاهش به پی‌جویی علت یا علل پرداخته می‌شود.

۱-۱- نسبت جاری (۷) : هرگاه جمع دارایی جاری را بر جمع بدهی جاری تقسیم کنیم، نسبت جاری بدست می‌آید. بطور کلی می‌توان گفت هر چه نسبت جاری بزرگتر باشد بستنکاران تامین بیشتری خواهند داشت. نقص بزرگ نسبت جاری این است که همه اقلام دارایی جاری را از لحاظ نقدینگی یکسان در نظر می‌گیرد.

۱-۲- نسبت آنی (۸) : هرگاه جمع دارایی آنی (۹) را بر جمع بدهی جاری تقسیم کنیم، نسبت آنی بدست می‌آید.

این نسبت به وضوح نشان می‌دهد که آن قسمت از دارایی جاری که از لحاظ ارزش، ثبات بیشتری دارد و احتمال کاهش در آن کمتر است تا چه میزان می‌تواند پشتوانه طلبکاران کوتاه مدت قرار گیرد.

۱-۳- فرجه تدافعی (۱۰) : هرگاه حاصل جمع موجودی نقدی، سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت و حساب‌ها و اسناد دریافتی را بر آورده هزینه‌های نقدی روزانه عملیات، تقسیم کنیم، فرجه تدافعی بدست می‌آید. این نسبت نشان می‌دهد که موجودی نقدی با آنچه در کوتاه مدت انتظار می‌رود وصول شود جمعاً چند روز هزینه‌های واحد تجاری را تکافو خواهد کرد.

۱-۴- نسبت گردش نقدی (۱۱) : سنجش نقدینگی و توان واریز بدهی‌های کوتاه مدت لزوماً با گردش پول و یک نوع پویایی سر و کار دارد. هرگاه گردش نقدی حاصل از عملیات را بر جمع بدهی‌های جاری تقسیم کنیم نسبت گردش نقدی بدست می‌آید. سازمان‌های تخصصی بر این عقیده‌اند که نتیجه این نسبت چنانچه ۴/۰ یا بیشتر از آن باشد، وضع واحد تجاری از لحاظ قدرت پرداخت بدهی‌های کوتاه مدت مطلوب است.

۲- نسبت‌های فعالیت (۱۲) : هرگونه کسری که در صورت آن مبلغ فروش واحد تجاری و در مخرج آن یکی از اقلام ترانزنامه‌آمده باشد نسبت فعالیت نامیده می‌شود.

۲-۱- دوره وصول مطالبات (۱۳) : هرگاه حاصل ضرب متوسط مطالبات در تعداد روز سال (۱۴) را بر فروش نسبی سالانه تقسیم کنیم، دوره وصول مطالبات به دست می‌آید. واحد این نسبت بر حسب روز می‌باشد. این نسبت متوسط مدتی را که فروش شروع و به وصول مطالبات می‌انجامد نشان می‌دهد.

۲-۲- دوره گردش کالا (۱۵) : هرگاه حاصل ضرب متوسط موجودی کالا در تعداد روز سال (۷) را بر بهای تمام شده کالای فروش رفته تقسیم کنیم، دوره گردش کالا بدست می‌آید. این نسبت مدت زمانی را نشان می‌دهد که طول می‌کشد تا کالا فروخته شود.

۲-۲- دوره گردش عملیات (۱۶) : حاصل جمع دوره تولید، دوره گردش کالا و دوره وصول مطالبات را دوره گردش عملیات می‌نامند. مفهوم عددی که از این معادله بدست می‌آید نشان می‌دهد که چند روز طول می‌کشد تا مراحل تولید، فروش و وصول مطالبات طی شود و پول به انواع شکل‌ها (مواد، دستمزد، کالا و مطالبات) تبدیل و مجدداً صورت نقدی پیدا کند.

۲-۴- نسبت کالا به سرمایه در گردش (۱۷) : هرگاه موجودی کالا را بر سرمایه در گردش تقسیم کنیم، نسبت کالا به سرمایه در گردش به دست می‌آید. سرمایه در گردش در این معادله عبارت است از دارایی جاری منهای بدهی جاری. این نسبت نشان می‌دهد که چند درصد سرمایه در گردش به صورت موجودی کالا در آمده است. بالا بودن این نسبت نشانه‌ای بروجود مشکل در گردش عملیات جاری تلقی می‌شود.

۲-۵- گردش سرمایه جاری (۱۸) : هرگاه فروش خالص را بر سرمایه در گردش تقسیم کنیم، نسبت مزبور به دست می‌آید. این نسبت حاکی از آن است که سرمایه در گردش تا چه اندازه در فروش مؤثر است. افزایش نسبت دلیل بر کمبود سرمایه در گردش تلقی می‌شود مگر قرائن دیگری مثل افزایش فروش آن را نفی کند.

۲-۶- دوره واریز بستنکاران (۱۹) : جهت محاسبه این نسبت ابتدا باید دفعات واریز بستنکاران را از فرمول زیر بدست آورد:

موجودی کالای پایان دوره + موجودی کالای اول دوره - بهای تمام شده کالای فروش رفته = دفعات واریز بستنکاران متوسط حساب بستنکاران

هرگاه تعداد روز سال را بر دفعات واریز بستنکاران تقسیم کنیم، دوره واریز بستنکاران به دست می‌آید. فایده دوره واریز بستنکاران در برنامه‌ریزی پرداخت‌ها و تهیه بودجه نقدی و دیگری مقایسه آن با مهلت‌هایی که فروشندگان مواد اولیه و کالا برای دریافت مطالبات خود تعیین کرده‌اند، خلاصه می‌شود.

۳- نسبت‌های سرمایه‌گذاری (۲۰) : این نسبت‌ها نشان می‌دهد که هرگاه کار واحد تجاری به تصفیه بکشد، تا چه اندازه طلبکاران و وام‌دهندگان به مطالبات خود می‌رسند. در ضمن، نسبت‌های سرمایه‌گذاری طرز ترکیب سرمایه شرکت را به معنی اعم آن که کلیه منابع مالی را در برمی‌گیرد نشان می‌دهد. در اینجا به چهار نسبت سرمایه‌گذاری مهم اشاره می‌شود.

۳-۱- نسبت دارایی ثابت به ارزش ویژه (۲۱) : این نسبت از تقسیم دارایی ثابت به ارزش ویژه به دست می‌آید. نسبت دارایی ثابت به ارزش ویژه نشان می‌دهد که چه مقدار از ارزش ویژه، به مصرف دارایی

ثابت رسیده و به بیان دیگر چه مقدار از سرمایه‌گذاری صاحبان سهام از گردش عملیات جاری واحد تجاری خارج شده است. وقتی نسبت پایین باشد نقدینگی بالا است.

۲-۲- نسبت کل بدهی (۲۲) : این نسبت از تقسیم جمع بدهی بر ارزش ویژه حاصل می‌شود. نسبت کل بدهی وضع طلبکاران را در مقابل صاحبان سهام نشان می‌دهد که هر یک تا چه اندازه در واحد تجاری سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

۲-۳- نسبت بدهی جاری به ارزش ویژه (۲۳) : از تقسیم بدهی جاری بر ارزش ویژه، این نسبت حاصل می‌شود. این نسبت حاکی از رابطه بدهی جاری با ارزش ویژه است. وقتی نسبت بالا باشد نامطلوب تشخیص داده می‌شود و افزایش مستمر آن ایجاب می‌کند که در نحوه ترکیب سرمایه‌گذاری تجدیدنظر شود.

۳-۴- نسبت بدهی بلندمدت به ارزش ویژه (۲۴) : این نسبت از تقسیم بدهی بلندمدت بر ارزش ویژه بدست می‌آید. این نسبت رابطه بدهی بلندمدت را در مقایسه با ارزش ویژه نشان می‌دهد.

۴- نسبت‌های سودآوری (۲۵) : هدف از این نسبت‌ها تعیین میزان موفقیت واحد تجاری در کسب سود است. در عمل به هر کسری که سود واحد تجاری در صورت کسر و فروش، ارزش ویژه، دارایی‌ها و یا سرمایه در گردش درمخرج آن باشد، اصطلاحاً بازده (۲۶) اطلاق می‌نمایند.

۴-۱- بازده فروش (۲۷) : این نسبت از تقسیم سود خالص بر فروش خالص به دست می‌آید و برحسب درصد بیان می‌گردد. این نسبت نشان می‌دهد که از هر یک ریال فروش چه مقدار سود (برحسب درصد) تحصیل شده است.

۴-۲- بازده ارزش ویژه (۲۸) : این نسبت از تقسیم سود خالص بر ارزش ویژه به دست می‌آید و برحسب درصد بیان می‌گردد. در این نسبت ارزش ویژه اول دوره مالی بکار می‌رود. این نسبت حاکی از میزان سودآوری واحد تجاری است و بازده متعلق به صاحبان سهام را نشان می‌دهد.

۴-۳- بازده دارایی (۲۹) : این نسبت از تقسیم سود خالص بر جمع دارایی‌ها به دست می‌آید و برحسب درصد بیان می‌شود. این نسبت حاکی از توانایی واحد تجاری در کاربرد تمام منابعی است که در اختیار آن قرار دارد. بسیاری از تحلیل‌گران این نسبت را شاخص نهایی برای تشخیص کفایت و کارایی مدیریت در اداره امور واحد تجاری می‌دانند.

۴-۴- بازده سرمایه در گردش (۳۰) : این نسبت از تقسیم سود خالص بر سرمایه در گردش به دست

می‌آید و برحسب درصد بیان می‌گردد. افزایش نسبت مذکور دلالت بر کمبود سرمایه در گردش می‌کند.

روش نسبت‌یابی دوپان (۳۱) :

روشی که رابطه بین گردش دارایی (۳۲) واحد تجاری و بازده فروش را مبنای سنجش کارایی و مدیریت آن واحد قرار دهد، روش نسبت‌یابی دوپان نامیده می‌شود. نسبت گردش دارایی به این ترتیب تعیین می‌شود که فروش را بر جمع دارایی تقسیم می‌کنیم تا بدانیم دارایی واحد تجاری چه‌گردشی از مسیر فروش را داشته است. نسبت‌یابی دوپان از فرمول زیر به دست می‌آید:

دارایی سودخالص = فروش سودخالص / دارایی فروش = بازده سرمایه‌گذاری

این روش فایده دارایی‌ها را از لحاظ فروش و سودی را که از آن به دست آمده است نشان می‌دهد. نتیجه نهایی کاربرد روش دوپان تحت عنوان بازده دارایی قبلاً توضیح داده شده است. ولی فایده عمده این روش را در مطالعه اجزای تشکیل‌دهنده دارایی و سود و رابطه آنها می‌دانند.

نقاط ضعف نسبت‌ها

در کاربرد نسبت‌ها باید از نقاط ضعف آنها آگاه بود. برخی از نقاط ضعف نسبت‌ها به شرح زیر است:

۱- صورت‌های مالی به عنوان منبع اصلی تهیه نسبت‌های مالی بکار می‌رود و به لحاظ گذشت زمان ارقام مندرج در آنها وضع موجود را نشان نمی‌دهد. حال تا چه اندازه گذشته می‌تواند مبنای پیش‌بینی آینده قرارگیرد محل بحث است.

۲- بعضی نسبت‌ها که کاربرد بسیار هم دارند ممکن است نتایجی گمراه کننده ببار آورند مگر آنکه کلیه نسبت‌ها با هم مد نظر قرار گرفته و تحلیل شوند.

۳- در تجزیه و تحلیل نسبت‌ها تغییرات سطح قیمت‌ها معمولاً مدنظر قرار نمی‌گیرد و این خود از فایده نتیجه تجزیه و تحلیل می‌کاهد.

تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای

در تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای روندهای مهم که سال به سال تغییر می‌یابند از راه صورت‌های مالی آن سال‌ها تعیین و مورد تفسیر قرار می‌گیرند. ولی باید توجه داشت که برای درک تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای و تشخیص روند‌ها لازم است قبلاً تجزیه و تحلیل درونی کاملاً مطالعه و مفهوم شده باشد.

روندهای مهم که مورد بحث قرار می‌گیرند عبارتند از:

۱- **روند فروش** (۳۳) : وقتی روند فروش مستمراً افزایش نشان دهد وضع، مطلوب تشخیص و در صورت کاهش، نامساعد تعبیر می‌گردد. در این حالت یافتن علت بر تعیین مقدار دقیق ارقام ترجیح دارد. مهم این است که بدانیم چرا وضع فروش شرکت در مقایسه با گذشته تغییر پیدا کرده است و به چه دلیل سهم بازار (۳۴) آن کاهش یافته یا از دست رفته است.

۲- روند سود (۳۵) : روند سود معمولاً با روند فروش همبستگی دارد. بدین مفهوم که افزایش یا کاهش فروش اثر شدیدتری بر سود می‌گذارد. این شدت اثر ناشی از آن است که هزینه‌های ثابت در هر حال یکسان باقی می‌مانند. اگر زیان زیاد یا بنیه مالی واحد تجاری ضعیف باشد باید آخرین صورت‌های مالی را گرفت ولو این که صورت‌های مالی مزبور موقت و بین دوره‌ای باشند و آنها را با صورت‌های مالی گذشته تطبیق کرد تا عمق مسایل روشن شود.

۳- روند ارزش ویژه (۳۶) : آنچه ارزش ویژه را افزایش می‌دهد عدم تقسیم سود و نگهداری آن در واحد تجاری و یا افزایش سرمایه است. معاملات که نسبت به سهام سرمایه‌انجام می‌شود ارزش ویژه را تغییر می‌دهد. فروش سهام جدید باعث افزایش ارزش ویژه و تقلیل سرمایه موجب کاهش آن می‌گردد. از طرف دیگر اعلام سود سهمی و برخی معاملات نیز مانند اخذ یا واریز هر نوع وام، خرید یا فروش اقلام دارایی بطور نقد و یا در ازای افزایش یا کاهش بدهی تأثیری در ارزش ویژه ندارند مگر به اندازه سود یا زیان حاصل از معامله در مقام مقایسه با ارزش دفتری مورد معامله.

۴- روند سرمایه در گردش (۳۷) : تعیین روند سرمایه در گردش از آنجا اهمیت دارد که توانایی واحد تجاری را در واریز تعهدات نشان می‌دهد. بهترین روند آن است که در طی سال‌ها به تدریج افزایش یافته و این افزایش متناسب با نیاز ناشی از توسعه فعالیت باشد. به هنگام توسعه و افزایش حجم تولید، کاهش نقدینگی و افزایش حساب‌های بدهی باید تناسب و اعتدال داشته باشد یعنی افزایش ناگهانی تولید و فعالیت سبب ایجاد تلاطم و تغییرات عمده در وضع مالی نشود. ولی هرگاه کاهش فعالیت تولید یا داد و ستد مد نظر باشد، طبعاً نیاز به سرمایه در گردش کمتر می‌شود و در نتیجه موجودی حساب‌های نقدی افزایش و حساب‌های مطالبات و کالا کاهش می‌یابند.

۵- روند نسبت‌ها: روند نسبت‌ها چگونگی امور مالی را بهتر می‌نمایند تا مقایسه و تعیین مابه‌التفاوت ارقام صورت‌های مالی. در زیر روندهای مهم چند نسبت آورده می‌شود:

۱-۵- نسبت جاری و آبی معمولاً می‌باید در دو یا چند سال روند صعودی و یا حداقل ثابت داشته باشد.

۲-۵- افزایش یا کاهش شدید در سرعت گردش کالا (برحسب روز) نیاز به بررسی دارد.

۳-۵- دوره وصول مطالبات نیز می‌باید تقریباً ثابت مانده باشد. اگر تغییراتی ناگهانی بروز کند می‌باید بررسی شود.

۴-۵- گاهی روند از خود نسبت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. نمونه بارز آن روند گردش سرمایه جاری است.

تجزیه و تحلیل سرمایه در گردش

هدف از تجزیه و تحلیل سرمایه در گردش تشخیص عواملی است که در آن تغییراتی را به وجود آورده‌اند و نتیجه‌نهایی تجزیه و تحلیل، ارزیابی کفایت تدابیر مالی مدیران است که بدانیم وقتی سررسید پرداخت‌ها فرا می‌رسد آیا توانایی واریز آنها را خواهند داشت؟ به این منظور باید عوامل فزاینده و کاهنده سرمایه در گردش را تشخیص داد. بطور کلی تجزیه و تحلیل سرمایه در گردش نشان می‌دهد که در فاصله دو دوره مالی چه جوهی به دست آمده و به چه مصادفی رسیده است. هرگونه معامله‌ای که بر دارایی جاری و بدهی جاری اثر یکسان بگذارد مبلغ سرمایه در گردش را تغییر نمی‌دهد. تغییراتی که در حساب‌های غیر از دارایی جاری و بدهی جاری به وجود آمده باشند بر سرمایه در گردش تأثیر می‌گذارند، این تغییرات به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- تغییرات در ارزش ویژه: هر افزایشی که در ارزش ویژه در فاصله دو دوره مالی پیدا شده باشد منبعی از لحاظ افزایش سرمایه در گردش به شمار می‌رود.

۲- تغییرات در بدهی بلندمدت: افزایش در بدهی بلندمدت در طی دو دوره مالی منبعی در جهت افزایش سرمایه در گردش محسوب می‌شود.

۳- تغییرات در دارایی ثابت: کاهش در دارایی ثابت خالص در فاصله دو دوره متوالی موجب افزایش وجوه و در نتیجه افزایش سرمایه در گردش می‌شود. معمولاً تغییرات عمده در سرمایه ناشی از تحولاتی است که در ارزش ویژه پدید می‌آید. کاهش سرمایه در گردش وقتی از نقصان ارزش ویژه ناشی شود خطر می‌آفریند و اگر از زیان عملیات به وجود آمده باشد خطر بیشتر می‌گردد.

خطر سنجی

آنچه در بخش‌های قبل گفته شد، بنظر می‌رسد برای اظهار نظر و اخذ تصمیم کافی باشد. ولی مواردی در عمل پیدامی‌شوند که نیاز به ارزیابی و بررسی بیشتری دارند. این گونه موارد را از راه پیش‌بینی و آینده‌نگری تجزیه و تحلیل می‌کنند چون هدف آن است که رویدادهای نامطلوبی که احتمالاً در آینده رخ می‌دهند، و مخاطرات و آثار آنها سنجیده شوند عنوان خطر سنجی را برای این بحث انتخاب کرده‌اند. در خطر سنجی قدرت استنباط، استدلال و استنتاج تحلیل‌گر جدی‌تر و بیش از پیش جلوه می‌کند. خطر سنجی به بررسی احتمالات آتی از لحاظ ناتوانی در پرداخت‌ها و بروز زیان ارتباط پیدا می‌کند و از این رو می‌باید با ابزار کار مدیران در برنامه‌ریزی آینده آشنا شویم. وسیله پیش‌بینی آینده بودجه است. بودجه برنامه مالی یک واحد تجاری برای رسیدن به هدفی که در تحصیل سود مشخص گردیده تعریف می‌شود. بنابر این بودجه خط مشی فعالیت و هدف سازمان را مشخص می‌کند و از سوی دیگر، در جریان اجرا

بودجه نقدي تنظيم شود.

کاربرد فنون تجزيه و تحليل

در پايان ذکر اين نکته لازم است که در تجزيه و تحليل هيچگاه نبايد به استفاده از روشي واحد اکتفا کرد و يا اينکه به نتيجه حاصل از کاربرد يکي از فنون تجزيه و تحليل آن قداهميت داد که جوانب ديگر از نظر دور بماند. تجزيه و تحليل حد و مرز مشخصي ندارد. اما مي توان آن را محدود کرد يا بردامنه آن افزود.

نبايد آن چنان به جمع آوري و انباشتن اطلاعات و تجزيه و تحليل آنها پرداخت که عوارض فلج موشکافي (۲۸) دامنگير شود و فرصت از دست برود و نه به آن مقدار اندک بسنده کرد که اساس استنتاج و تصميم گيري سست گردد. آنچه حدود کار تحليل گر را معين مي کند ميزان اهميت کاربرد نتايج تجزيه در اخذ تصميم و مخاطراتي است که در استفاده از آن ممکن است بروز کند. انباشتن اطلاعات بسيار و گسترش دامنه تجزيه و تحليل در برخي موارد نتيجه درماندگي و يا واماندگي در تصميم گيري است. بايد توجه داشت که تجزيه و تحليل جاي فراست (۳۹) را در اخذ تصميم نمي گيرد.

۱) اين کتاب توسط دفتر مطالعات مالي و حسابداري مديريت و با تايد آقاي دکتر فضل ا... اکبري تلخيص شده است.

۲) Internal Analysis

۳) Comparative Analysis

۴) Working Capital Analysis

۵) Risk Analysis

۶) Liquidity Ratios

۷) Current Ratio

۸) Quick Ratio

۹- دارايي آني عبارت است از همه ارقام دارايي جاري منهاي موجودي مواد و کالاو پيش برداختها

۱۰) Defensive Interval

۱۱) Cash Flow Ratio

۱۲) Activity Ratio

۱۳) Receivables Collection Period

۱۴- در اين معادله عموماً تعداد روز سال ۳۶۰ در نظر گرفته مي شود.

۱۵) Inventory Turnover Period

۱۶) Operating Cycle

۱۷) Inventory to working Capital

۱۸) Working Capital Turnover

۱۹) Accounts Payable Turnover Period

۲۰) Capitalization Ratio

۲۱) Fixed Assets to Net Worth

۲۲) Debt Ratio

۲۳) Current Debts to Net Worth

۲۴) Long - Term Debts to Net Worth

۲۵) Profitability Ratios

۲۶) Return

۲۷) Return on Sales

۲۸) Return on Equity

۲۹) Return on Assets

از همان بودجه به صورت ابزار کار مديران و ضمناً به عنوان عامل کنترل استفاده مي شود. مراحل زير جهت تنظيم بودجه انجام مي گيرد:

۱- تعيين هدف: حفظ سرمايه و تامين سود لازمه دوام و بقاي موسسات توليدي و بازرگاني است. در تنظيم بودجه، ميزان سود بايد با واقع گرايي برآورد شود و هدف قابل وصول باشد.

۲- برنامه ريزي: اداره هر واحد تجاري مستلزم استفاده از نيروي انساني، سرمايه و منابع طبيعي است. در دنياي امروز اين سه عامل و قيمت تمام شده آنها غير قابل پيش بيني است. در چنين شرايطي است که واحد تجاري بايد برنامه ريزي کند، نيازهاي آينده خود را بررسي و هدف را مشخص نمايد و همه کوشش را در جهت وصول به آن و تحقق ميزان فروش و سود بکاربرد.

۳- تهيه بودجه: اولين قدم جهت تهيه بودجه، پيش بيني فروش است که آن را مسئول فروش برآورد مي کند. فروش به دو صورت يکي برحسب مقدار و ديگري براساس ارزش ريالي آن برآورد مي گردد. سپس برآورد ميزان فروش به واحد توليد داده مي شود تا بر آن اساس بهاي تمام شده مواد اوليه و هزينه هاي دستمزد و سربار را تعيين کند. در عين حال واحد فروش به تهيه بودجه داخلي يعني پيش بيني هزينه هاي بازرگاني و فروش مي پردازد. هزينه هاي عمومي و اداري را نيز دفتر مرکزي واحد تجاري پيش بيني مي نمايد. اما در عمل واحدهاي تجاري به اين شرح عمل نمي کنند. بلکه يك يا دونفر مسئوليت تهيه همه اطلاعات و تنظيم بودجه را به عهده مي گيرند.

۴- تصويب بودجه: پس از تهيه بودجه براي بررسي، اصلاح و تصويب به هيأت مديره واحد تجاري تسليم مي گردد. در اين مرحله نيز اصلاح بودجه ضرورت مي يابد زيرا با گذشت زمان لزوم تجديد نظر در هدفها به خصوص در مورد سود ظاهر مي گردد.

۵- تجديد نظر در بودجه: هدف از تجديد نظر در بودجه اين است که نتايج عمليات واحد تجاري را با آنچه در بودجه برنامه ريزي شده، مقايسه و انحرافات مهم را تعيين کنيم و سپس تا حد امکان علل انحرافات را شناسايي نماييم. تجديد نظر در برنامه و اقدامات اصلاحيه مربوط، به عهده آن قسمت يا واحدي از سازمان است که بر آن برنامه کنترل دارد. تاکيد مي شود که اين امر کار واحد بودجه نيست.

بودجه نقدي

هنگامي که بودجه تصويب شد، بر آن اساس واحدها و افراد مورد نياز اقدام مي کنند. در اين مرحله مدير مالي واحد تجاري نيز بايد براي تهيه وجه مورد نياز، برنامه ريزي کند. بنا بر اين بايد براساس بودجه و با توجه به اوضاع واحد تجاري،

Return on Working Capital (۳۰
Du Pont Ratio System (۳۱
Assets Turnover (۳۲
Trend of Sales (۳۳
Market Share (۳۴
Trend of Earnings (۳۵
Trend of Net Worth (۳۶
Trend of Working Capital (۳۷
Analysis Paralysis (۳۸
Intuition (۳۹



پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی